

امید

بخوان و حفظ کن

شنیدستم که شهبازی کهنسال
کبوتر بچّه‌ای را کرد دنبال
ز بیم جان، کبوتر کرد پرواز
به هر سو تاخت، تازان از پی اَش باز
به دشت وکوه و صحرا بود پرّان
ز چنگِ باز شاید در بَرَد جان
اجل را دید و شُست از زندگی دست
درختی در نظر بگرفت و بنشست
نظر کرد آن نگون اقبال بر زیر
که صیّادی کمان برکف به زِه تیر
به زیر پای، صیّاد و به سر، باز
نه بنشستن صلاح است و نه پرواز
به کلّی رشته‌ی امّید بگسست
در آن دم دل به امّیدِ خدا بست
چو امّیدش به حق بود آن کبوتر
نجات از مرگ دادش حیّ داور
بزد ماری به شستِ پایِ صیّاد
قضا بر باز خورد آن تیر و افتاد
به خاک افتاد هم صیّاد و هم باز
کبوتر شاد و خندان کرد پرواز

اصغر میرخدیوی

پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

شنیدستم: شنیده ام
شهباز: نوعی پرنده شکاری سفیدرنگ
بیم: ترس
تاخت: حمله کرد، هجوم آورد
تازان: با سرعت، با شتاب
از پی اش: به دنبالش
پرّان: پرواز کنان

اجل: زمان مرگ
دست از زندگی شستن: ناامید شدن
نظرکرد: نگاه کرد
نگون اقبال: بدبخت
صیاد: شکارچی
برکف: در دست
زه: چله ی کمان

صلاح: شایسته، مصلحت
بگسست: پاره کرد
حی داور: پروردگار
قضا: سرنوشت